

الحمد لله



سرشناسه	: مشهدی آقایی، حمید، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: گل‌های بهشتی: (ویژه اعیاد شعبانیه)/ مولفان حمید مشهدی آقایی، فاطمه شیردل؛ ویراستار زینب‌سادات حسینی؛ به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.
مشخصات نشر	: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۷ ص.؛ ۹/۱۹×۱۹ م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۲۹۵-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۷.
موضوع	: حسین‌بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق.
موضوع	: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, ۶۲۵-۶۸۰
موضوع	: علی‌بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۶۴ ق.
موضوع	: Hosayn ibn 'Ali, Imam IV, ۶۲۵-۶۸۰
موضوع	: عباس‌بن علی (ع)، ۴۲۶ - ۶۱ ق.
موضوع	: Abbas ibn Ali, ۶۴۷ - ۶۸۰
شناسه افزوده	: شیردل، فاطمه، ۱۳۶۳ -
شناسه افزوده	: حسینی، زینب‌السادات، ۱۳۵۶ -، ویراستار
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسه افزوده	: موسسه انتشاراتی قدس رضوی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ م/۷۶/۷۶ BP۴۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۵۲۵۵۴



عنوان: گل‌های بهشتی

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

نویسندگان: حمید مشهدی آقایی و فاطمه شیردل
ارزیاب علمی: حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی

ویراستار: زینب‌سادات حسینی

طراح جلد و صفحه‌آرا: اشکان پردل

چاپ: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

نوبت چاپ: دوم، ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۰۰۰۰ جلد

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی،

مدیریت فرهنگی صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۳۲۰۰۲۵۶۷ - ۵۱

حق چاپ محفوظ است.



فهرست

۶	مقدمه
۷	یکم: شخصیت ها را واقعه ها می سازند
۷	دوم: حکایت حسین علیه السلام اما حکایت دیگری است...
۸	سوم: ماه شعبان؛ ماه تولد کربلا و عاشورا
۹	چهارم: سوم شعبان رنگ و بوی عشق و بندگی دارد
۱۰	پنجم: نفر پنجم پنج تن؛ از قبل از ولادت تا ولادت
۱۶	ششم: حسین؛ نامی که از همه دل می برد
۱۶	هفتم: هدیه ویژه ولادت برای شیعیان
۱۹	هشتم: تالو ماه بنی هاشم
۲۱	نهم: طلوع خورشید چهارم امامت
۲۵	دهم: مه پاره ای از جنس نور
۳۰	یازدهم: شهادت؛ برگی زرین در حیات بزرگان
۳۲	دوازدهم: بودن در مسیر حق؛ دغدغه نیکان
۳۴	سیزدهم: مؤمنان عصر غیبت
۳۷	چهاردهم: از مشهد، تا مدینه... تا کربلا...
۴۲	کتابنامه
۴۳	مسابقه فرهنگی



مقدمه

انگار باید همیشه باهم باشند که ولادتشان هم نزدیک به هم است! مسیرشان، مسیر حرکتِ خورشید است: حسین علیه السلام خورشید است و قمر بنی هاشم علیه السلام، ماه آن و سجاد و علی اکبر علیه السلام نیز مه پاره‌های این کاروان اند.

باید از حسین و ابوالفضل علیه السلام نوشت و سجاد و علی اکبر علیه السلام؛ که دوبه‌دو باهم برادرند! باید تا همیشه قلم لرزان باشد و چشمان در انتظار نیم‌نگاهی از ایشان که نور و وجود و حضورشان الهی است و شخصیت والایشان دست نیافتنی. اما مگر می‌توان در تاریکی شب‌های تار دنیا، به دنبال نور نبود؟! باید مسیر حرکت خورشید را در پیش گیریم تا در ضلالت نمانیم. چراغی باید تا همیشه همراهمان باشد و راهمان را روشن نگاه دارد. اینجا راه روشن است: راهی روشن‌تر از حسین علیه السلام نیست؛ پس باید دل به دریای بی‌انتهای معرفتش سپرد؛ چراکه دستِ مهربانش همه را دستگیری می‌کند. حسین علیه السلام کشتی نجات است و چراغ پرفروغ هدایت.

به یمن ولادت امام حسین علیه السلام و برادر بزرگوار و دو فرزند دلبندش علیه السلام در وادی معرفت حسینی کنکاشی می‌کنیم، به این امید که چند قدم در مسیر شناخت این خاندان گام





برداریم و باورمان شود که این راه از آنچه می‌پنداریم، نزدیک‌تر است.

یکم: شخصیت‌ها را واقعه‌ها می‌سازند

می‌گویند: حوادث بزرگ و وقایع سرنوشت‌ساز، انسان‌ها و شخصیت‌ها را ساخته و تکامل می‌بخشند.

می‌گویند: کوران حادثه‌ها و طوفان رنج‌ها و سختی‌هاست که انسان را کمال می‌بخشد و به تعبیری این شخصیت‌هایند که مدیون وقایع و حوادث بزرگ‌اند و بلندای نام و آوازهٔ خود را وامدار مواجهه با این واقعه‌های انسان‌سازند.

این مطلب سخن درستی است و برای همه و تا همیشه تاریخ نیز جریان دارد؛ اما...

دوم: حکایت حسین علیه السلام اما حکایت دیگری است...

نه تنها حسین علیه السلام که همهٔ بزرگان دین، از انبیای بزرگ ما تا چهارده نور پاک سپهر ولایت و عصمت علیهم السلام، هرکدام حکایت جداگانه‌ای دارند. حق این است که بندگان دُرْدانهٔ خدا، در مسیر رسالت الهی خود، هم واقعه‌های عظیم تاریخ را ساخته‌اند و هم انسان‌های تاریخ‌ساز زندگی





بشر را پرورانده‌اند.

تولد و مرگ آنان، تولد و مرگی عادی نیست و قصه زندگی‌شان نیز روایتی دیگر را می‌طلبد: روایتی عاشقانه که از نگاهی عالمانه و الهی برخیزد و حق مطلب را آن‌چنان‌که هست، بیان کند و صدا البته در میان این بزرگان، حکایت تولد و زندگی و شهادت حسین علیه السلام را حلاوتی دوچندان است.

سوم: ماه شعبان؛ ماه تولد کربلا و عاشورا

کربلا، جغرافیای معرفت و بصیرت انسان است و عاشورا هنگامه اوج عبودیت بنی آدم به درگاه معبود حقیقی. این مکان و زمان مقدس به نام مولودی پیوندخورده است که تا زندگی، زندگی است، معنا و مفهوم حقیقی خود را مدیون اوست... مدیون حسین علیه السلام، مولود سوم شعبان.



ماه رجب، فروردین سلوک است و ماه شعبان، اردیبهشت معرفت و عبودیت و رمضان المبارک، خردادماه عشق و ایثار. این سه ماه، فصل بهار خودسازی‌اند و فصل اعتدال و استواری عقل و دل در طریق حق... و باز این شعبان المعظم است که ماه میانه این فصل است؛ روزها و شب‌های این ماه، دل و جان را از همان ابتدا کربلایی و عاشورایی می‌کند: سوم شعبان میلاد حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است؛ چهارم‌ش، تولد ابوالفضل العباس علیه السلام؛ پنجم‌ش، طلوع نور سیدالساجدین علیه السلام و یازدهمین روزش نیز هنگامه درخشش دوباره نور پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم با ولادت علی اکبر علیه السلام. گویا ماه شعبان، ماه تولد کربلا و عاشورا است!

چهارم: سوم شعبان رنگ و بوی عشق و بندگی دارد

بگذارید از میانه راه آغاز کنیم: از سوم شعبان سال ۶۰ هجری. کاروان عبودیت و حریت، پس از پنج روز طی طریق، از مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مکه معظمه رسیده است. آری، کاروان کربلا از مدینه وارد مکه شده است. خورشید این کاروان و قافله سالار آن، درست ۵۷ سال قبل، سوم شعبان سال چهارم هجری، مقارن با طلوع فجر، طلوع کرده

و مدینه را منور ساخته است. در اولین سوم شعبان حیاتش، مدینه را منور کرده است و در آخرین سوم شعبان، در آخرین سفرش، در روزی مقارن با سالروز ولادت پربرکتش، مکه را، عطر محمدی بخشیده است.

پنجم: نفر پنجم پنج تن؛ از قبل از ولادت تا ولادت

گفتم که حکایت او حکایت دیگری است. به اعتقاد شیعیان، همه معصومان علیهم السلام قبل از تولد ظاهری، عالم هستی را به نور وجودشان نورانی کرده اند. از همه آنها قبل از میلادشان حقایق زیبایی را خوانده و شنیده ایم؛ اما حکایت او قصه دیگری دارد. با هم مرور می کنیم پنج فراز را:

یک: جبرئیل علیه السلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل می شود و خبر ولادت مولود سوم شعبان را چنین اعلام می دارد که امامت در نسل این مولود است و امت پیامبر، او را شهید می کنند.^۱ این خبر را خیلی ها می شنوند، غیر از علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام بزرگانی مانند سلمان و مقداد و ابوذر.

دو: چه خوابی دیده بود اُمّ ایمن! او پس از رؤیایی صادقه،

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۱۵.



هراسان و نگران به محضر رسول خدا ﷺ شتافت و عرض کرد: «دیشب در خواب دیدم پاره‌های بدن شما در خانه من افتاده است...!» پیامبر خاتم ﷺ فرمودند: «يَا أُمَّ أَيْمَنَ تَلَدُ فَاطِمَةُ الْحُسَيْنِ فَتُرَيِّيَنَّهُ وَ تَلِيَنَّهُ ...»^۱ (ای اُمّ ایمن! فاطمه فرزندی به دنیا می‌آورد و تو امورش را برعهده و او را در آغوش خواهی گرفت ...)

و بدین سان انتظاری آمیخته با شگفتی شکل می‌گیرد...
سه: یاس پیامبر، زهرای اطهر عليها السلام در ایام بارداری، در وجود این ماه آسمانی چه می‌دید؛ آنگاه که برای پدرش نقل کرد:
 در ماه سوم و چهارم با این نوزاد تنهایی‌ام برطرف شد. در ماه پنجم، عبادت کار شب و روز

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۴۲؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، أمالی الصدوق، ص ۸۲.

من شده بود و حالم حال دیگری بود. ماه ششم
چه ماهی شده بود: تا شب ولادتش، شب‌های
این ماه نیازی به چراغ نداشتیم و هنگامی که در
مصلای خود می‌نشستم، از وجود خود صدای
«سبحان الله» می‌شنیدم...^۱

این قصه دهان به دهان، نقل محافل و نقل مجالس یاران
خاص پیامبر ﷺ می‌شود و این چشم به راهی شگفت‌انگیز
به اوج می‌رسد.

چهار: شش ماه و نه روز از ایام حمل فاطمه زهرا علیها السلام سپری
شده است. از شب گذشته، آسمان غرق شادی و فرشتگان
غرق در نورند. «مالک» کلیددار جهنم، آتش را خاموش
می‌کند و «رضوان» خزانه دار بهشت، جنت را می‌آراید و معطر
می‌سازد. ملائک صف در صف به احترام ایستاده و به ذکر
«سبحان الله» و «الحمد لله» مشغول شده‌اند. او می‌آید...
حسین فاطمه علیها السلام که «رحمة الله الواسعه» نام می‌گیرد.

«لعیا» آن فرشته آسمانی به دلجویی و همراهی دختر
رسول خدا می‌آید. دومین فرزند امیرالمؤمنین علی علیه السلام
و زهرای اطهر علیها السلام و پنجمین نفر پنج تن علیهم السلام پا به دنیا

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۳۸.



می‌گذارد. چه روزی است این سوم شعبان: روز تکمیل نورانی‌ترین حلقهٔ بندگی و روزی است که پنج‌تن و «خمسۀ طیبه» تمام و کمال یافت با حسین (علیه السلام).^۱

حالا همهٔ جان‌ها آمادهٔ نزول آیۀ تطهیر است. اینک حدیث کساء از لسان فاطمه زهرا (علیها السلام) با روایت جابر شنیدنی است! او آمده‌است؛ اما شگفتی‌هایش پایان ندارد.

پنج: خنده و گریه، غم و شادی، این است قصهٔ ولادت حسین (علیه السلام).

در تاریخ بزرگان، این دومین بار است که نوزادی پس از شش ماه پا به عرصهٔ وجود می‌گذارد: یحیی بن زکریا (علیه السلام) اولین نوزاد از انبیا (علیهم السلام) بود و این دومین، پنجمین معصوم است و شگفتا که «ولادت» و «زندگی» و «شهادت» این دو فرزند آسمانی، این قدر شبیه به هم است:

﴿وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا﴾^۲

سلام بر او روزی که متولد شد و روزی که از دنیا می‌رود و آن روز که [در قیامت] زنده برانگیخته می‌شود.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۳.

۲. مریم، ۱۵.



این آیه در وصف یحیای پیامبر علیه السلام است و حتماً در توصیف حسین بن علی علیه السلام گویاتر و رساتر است؛ اما باز این کجا و آن کجا! بین امام حسین علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام می‌توان شباهت‌هایی دید: حضرت یحیی علیه السلام یکی از انبیای بسیار مظلوم بوده‌است که در شهادتش آسمان و زمین و ملائکه گریستند؛ ولی مگر مظلوم‌تر از حسین علیه السلام بود؟! نه نبود؛ چراکه قاتلانش فقط یحیی علیه السلام را کشتند و سرش را برای پادشاه فرستادند و کسانی مرتکب این عمل شدند که منکر پیامبری او بودند، حال آنکه حسین علیه السلام را کسانی کشتند که ادعای مسلمانی می‌کردند و خود را پیرو جدّ او می‌دانستند، جایگاه و نسبت او با پیامبرشان را می‌دانستند، او را کشتند در حالی که تشنه بود، بدنش را



برهنه کردند و سرش را به نیزه زدند، اهل بیتش را به اسارت بردند و شهر به شهر گردانند و چوب بر لب و دندان‌ش زدند! آن کوردلان بارها و بارها دیده بودند که این لب و دهان، بوسه گاه رسول خدا ﷺ بود! آن سیه دلان دیدند و شنیدند که این سر مطهر بر نیزه، سورهٔ کهف می‌خواند! کدام یک از این جسارت‌ها را بر حضرت یحییٰ علیہ السلام روا داشتند؟!

حکایت حسین بن علی علیهما السلام از بُعد دیگری نیز شگفت است: تولد او کم‌نظیر است و مجلس جشنش آمیزه‌ای از خنده و گریه و غم و شادی! نوزادی متولد شده است و همه شادند. تبسم شیرین پیامبر ﷺ نیز حاکی از همین شادمانی است؛ اما این فقط یک روی سکه است. آنگاه که اسماء، مولود سوم شعبان را در پارچه‌ای سفید نزد پیامبر اکرم ﷺ آورد و آن حضرت ﷺ در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت، او را در آغوش فشرد و گریست؛ سپس به اسماء فرمود: «برای مصیبت فرزندم می‌گیریم.» او را می‌بویید و لب‌ها و دندان‌هایش را می‌بوسید و می‌گریست برای مصیبت او!^۱

خدایا! این چه مجلسی است؟! این مجلس حسین علیهما السلام است و تازه این آغاز شگفتی‌های اوست! کجایند یاران

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۹ و ۲۴۰.



پیامبر ﷺ تا کربلا را ببینند و حیرت و حسرت فرشتگان را!

ششم: حسین؛ نامی که از همه دل می‌برد

روایت نام‌گذاری این نوزاد شبیه حکایت نام‌گذاری جدّ و پدر و مادر و برادر اوست. این نام‌گذاری هم کار خداست. «حسین» نام آسمانی «شَبِیر» دومین فرزند هارون، وصی شایسته موسی بن عمران علیه السلام است.^۱ این همان نامی است که وقتی آدم در توبه خود به درگاه خدا به آن رسید و زبان بر آن گشود، قلبش به تپش افتاد، دلش شکست، اشک از چشمانش جاری شد و گفت: «یا قَدِیمَ الْإِحْسَانِ بِحَقِّ الْحُسَینِ» و این‌گونه بود که توبه آدم علیه السلام و حوا، با نام حسین علیه السلام مَهْر قبول خورد.

به‌راستی چه سَرّی است در این واژه پُررمزوراز که همه قفل‌های بسته را می‌گشاید و باران اجابت را نازل می‌کند؟!

هفتم: هدیه ویژه ولادت برای شیعیان

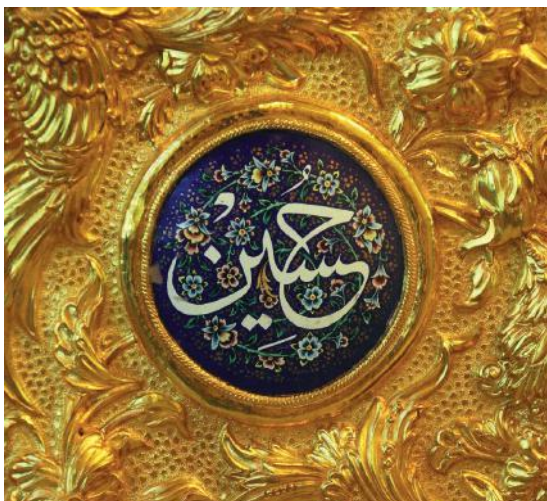
جابر بن عبدالله انصاری، راوی حدیث کساء که فرزند شهید است و پدرش از شهدای اُحد، خود از یاران خاص پیامبر

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۹.



الله

۱۷



اکرم علیه السلام و امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که به افتخار ابلاغ سلام ویژه خاتم الانبیا علیه السلام به حضرت باقرالعلوم علیه السلام نائل آمده است. نام جابر با نام اربعین و یاد کربلا و عاشورا و امام عاشوراییان پیوند خورده است. او همان صحابی نابینا، اما روشن ضمیر و بصیری است که در اربعین سالار شهیدان با به جان خریدن هزاران خطر، سنت زیارت شهیدان را احیا کرده است.

وی در اولین روزهای تولد امام حسین علیه السلام برای شادباش این میلاد فرخنده، به خانه فاطمه زهرا علیه السلام رفت. نزد آن



حضرت علیه السلام لوحی سبزرنگ دید که چون نور آفتاب سفید و از مُشک خوش بوتر بود. در آن لوح، حدیثی بود قدسی که هدیّه ویژه میلاد پنجمین ماه عصمت بود و جبرئیل امین علیه السلام آن را از سوی پروردگار جهان به پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم ابلاغ کرده بود. این حدیث حکمت توحید و فلسفه نبوت را در کوتاه‌ترین عبارات و عمیق‌ترین معانی بیان کرده و حقیقت توحید و رسالت را در مفهوم حقیقی آن به همراه مصادیق کاملش یعنی دوازده امام معصوم علیهم السلام به تصویر کشیده است. از سختی‌های زمان غیبت می‌گوید و بشارت «موعود» را می‌دهد و معنای صحیح «سفینه النجاة» را هم می‌نمایاند. خدای حکیم در این حدیث سراسر نور، مولود سوم شعبان را چنین معرفی کرده است:

پس از حسن [که او را معدن علم خویش قرار دادم]، حسین را گنجینه وحی خویش ساختم و او را با شهادت گرامی داشتم و سرانجامش را با سعادت رقم زدم. او بافضیلت‌ترین کسی که شهید می‌شود و بلندمرتبه‌ترین شهید است. رساترین سخن و کامل‌ترین حجت را نزد او قرار دادم. به وسیله امامانی که از سلاله او



هستند، پاداش می‌کنم و جزا می‌دهم^۱.
این حدیث، همان «حدیث لوح» است که معانی عمیق و
گوهرهای شاهوار معرفت را در خود نهفته دارد. نمی‌دانم
این نام را چقدر شنیده‌اید؛ اما شایسته است که یک شیعه
و مؤمن، ولایت و امامت را که با جانش آمیخته و جزء
جدایی‌ناپذیر سرشت او شده است، از آینه این حدیث قدسی
بخواند و در آن تأمل کند. حدیث لوح هدیه ویژه میلاد امام
هدایت است.

هشتم: تَلَاؤُ ماه بنی‌هاشم

چهارم شعبان سال ۲۶ ق، عباس علیه السلام چشم به جهان
گشود، یک روز پس از سالروز تولد حسین علیه السلام و به رسم ماه
که پس از خورشید می‌آید. مبارک باد قدم این ماهتابی که
یاور و همدم همیشگی آفتاب خواهد شد!

عباس؛ نامی آشنا

عباس به معنای شیر خشناکی است که شیرهای ژیان از او
می‌گریزند یا کسی که چین خشم او در نبرد، خوف و بیم در
دشمن برمی‌انگیزد و نگاه و صلابتش، دشمن را می‌ترساند.

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۷ و ۶۸.



این مشهورترین نام سردار کربلاست. نام دیگرش ابوالفضل است. ابوالفضل کنیهٔ اوست و هرچند به راستی پدر فضیلت‌هاست؛ اما ظاهراً به دلیل داشتن فرزندی به نام فضل، این عنوان را بر او نهادند. سقا و ساقی نامی است که نشان‌دهندهٔ آب‌رسانی ابوالفضل علیه السلام است. گویا عباس علیه السلام را پیش از کربلا به این نام نامیده‌اند. «اباقربه» یعنی صاحب مشک نیز از همان منشأ سقایت سرچشمه می‌گیرد.

یکی از القاب ابوالفضل العباس، قمر بنی‌هاشم است که به دلیل زیبایی اوست. «حامل اللواء» و «صاحب الراية» به معنای پرچم‌دار، «رئیس عسکر الحسین» به معنای فرماندهٔ سپاه حسین و «اطلس» به معنای شجاع و حمله‌کنندهٔ بی‌برگشت و سرخ‌روی زیبارو از دیگر القاب اوست. عباس بن علی علیه السلام به دلیل گره‌گشایی در همهٔ



صحنه‌ها به‌ویژه کربلا و استجابت دعا با توسل به نام مبارکش، به باب‌الحوائج شهرت یافته است. این عزیز در زیارت مخصوص خود نیز عبد صالح نامیده شده است. در مجموع در کتاب‌های مقتل، شانزده نام و عنوان برای این شخصیت بزرگوار برشمرده‌اند.^۱

نهم: طلوع خورشید چهارم امامت

در پنجمین روز شعبان سال ۳۸ ق آسمان مدینه، شهر پیامبر ﷺ با طلوع چهارمین اختر امامت منور شد. حدیث لوح این‌طور شروع می‌شود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ رَسُولِهِ وَ نُورِهِ وَ سَفِيرِهِ وَ حِجَابِهِ وَ دَلِيلِهِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ...». آنگاه از برتری پیامبر خاتم ﷺ در بین انبیا ﷺ می‌گوید و افضل بودن وصی او در میان اوصیا ﷺ را بعد هم فضایل حسن بن علی ﷺ و حسین بن علی ﷺ را خاطر نشان می‌کند تا می‌رسد به اینجا:

جَعَلْتُ كَلِمَتِي الثَّامَةَ مَعَهُ وَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ
بِعِزَّتِهِ أَثِيبُ وَ أَعَاقِبُ أَوْلَهُمْ عَلَى سَيِّدِ الْعَابِدِينَ وَ
زَيْنِ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ...^۲

۱. نک: محمدرضا سنقری، ماه در آب، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۷ و ۶۸.

رساترین سخن و کامل‌ترین حجت‌م را نزد او قرار دادم. به وسیله امامانی که از سلاله او هستند، پاداش می‌کنم و جزا می‌دهم. اولین آن‌ها علی است که سیدالعابدین است و زینت اولیای گذشته من

سیدالساجدین علیه السلام نزد خداوند سیدالعابدین و زین‌الاولیاء است. در علت نام‌گذاری آن حضرت علیه السلام به زین‌العابدین نیز گفته‌اند که این لقب را از آسمان برای او سرودند. علی بن‌الحسین علیه السلام در مرتبه اعلای فضائل اخلاقی قرار داشت؛ به گونه‌ای که شخصیتی چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام او را بهترین اهل‌زمین بعد از اباعبدالله علیه السلام [در زمانه خودش] معرفی می‌کند؛ آنجا که در فرمایشی خطاب به امام حسین علیه السلام، به تکریم شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام سفارش کرده و می‌فرماید:

اِحْتَفِظْ بِهَا وَ أَحْسِنْ إِلَيْهَا فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ فِي زَمَانِهِ بَعْدَكَ وَ هِيَ أُمُّ الْأَوْصِيَاءِ الدُّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ فَوَلَدَتْ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ زَيْنَ الْعَابِدِينَ علیه السلام.^۱

این [دختر] را نیکو نگه دار. به زودی فرزندی



برایت می‌آورد که در زمان خودش پس از
تو بهترین فرد روی زمین است. این دختر
مادر پیشوایان پاک است و علی بن الحسین
زین العابدین از او متولد می‌شود.

فقط شخصیتی بزرگ همچون زین العابدین علیه السلام می‌تواند
پرتویی از مقام عبودیت در محضر اقدس حق تعالی و عشق
یک انسان کامل به خداوند را در قالب صحیفه سجادیه
نمایان کند. این ولی خدا خالصانه‌ترین نجواها با خدای
خویش را در قالب دعا بیان کرده است. در این ذخیره
ارزشمند امام الساجدین علیه السلام چهارچوب جهان بینی اسلامی
پی‌ریزی شده است تا امت با این میراث که در قالب رازونیا
با معبود و بیان حاجت در پیشگاه حق تعالی بیان شده
است، به دریای بی‌کران علوم و معارف الهی دست یابند.

مهدی موسوی در کتاب گذار از فتنه این حرکت را یکی از راهکارهای مقابله سیدالسادین علیه السلام با شگردهای فتنه‌گران دانسته است:

امام سجاد علیه السلام در شرایط سخت و محیط ناآرام و مضطرب پس از عاشورا و در زمان حکام ظالم اموی، بایستی راه و روشی نو برمی‌گزیدند تا در آن محیط و شرایط بسیار دشوار، بتوانند مسئولیت هدایت امت و حمایت از دین اسلام را به عهده بگیرند. به همین دلیل، به اسلوب دعا روی آوردند و از این راه، برنامه فکری و آگاهی‌بخش امت اسلام را بیان فرمودند.^۱

زبور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

امام خمینی رحمته الله در طلعه وصیت‌نامه الهی سیاسی خود، ضمن اشاره به دیگر کتاب‌های ارزشمند شیعه، از صحیفه سجادیه این‌طور یاد کرده‌اند:

ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را قرآن صاعد می‌خوانند، از ائمه معصومین

۱. مهدی موسوی، گذار از فتنه، ص ۱۷.



خوشید چه کان معطر آمد یاران
مرات رخ پدید آمد یاران
شد بخت حسین رونق افزای بهشت
عجلاد علی اکبر آمد یاران

ما علیه السلام است. ما [مفتخریم] به مناجات شعبانیه
امامان و دعای عرفات حسین بن علی و صحیفه
سجادیه، این زبور آل محمد و صحیفه فاطمیه
که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به
زهرای مرضیه علیه السلام است. . . .

دهم: مه پاره‌ای از جنس نور

می‌خواهم از دیگر مولود این ماه بنویسم که در همه
ویژگی‌ها خلّاقاً و خُلّاقاً شبیه‌ترین به رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده
است. حضرت علی اکبر علیه السلام مولود خانه امامت است و
پرورده دامن ولایت و نجابت. تولد او در یازدهم شعبان
سال ۳۳ ق در مدینه بوده است. پدرش حسین بن علی علیه السلام

و مادرش لیلی، دختر ابی مرّ بن مسعود ثقفی، از خاندانی جلیل و باشرافت است. این عزیز چون بزرگ‌ترین پسر سیدالشهدا (علیه السلام) بود، به علی اکبر مشهور شد.^۱

تربیت شایسته امام حسین (علیه السلام) سبب شد تا علی اکبر به بهترین صفات کمال آراسته شود. عواملی همچون وراثت، اصالت خانوادگی، تربیت صحیح و زمینه‌های کسب علم و فضایل که از عناصر تشکیل دهنده شخصیت هر فرد است، در بهترین شکل برای بالیدن این نهال خوش‌آتیه فراهم بود. این همه باعث شده بود که خلق و خو و رفتار و حرکات و ادب و متانتی در حد اعلای حُسن داشته باشد؛ آن گونه که گفته و نوشته‌اند، رفتارش حرکات و رفتار پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در ذهن‌ها زنده می‌کرد.

علی اکبر (علیه السلام) شاخه‌ای از آن شجره طیبه و ریشه پاک بود و وارث همه خوبی‌های خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) به‌شمار می‌رفت. همه ما بارها ماجرایش را در واقعه کربلا شنیده‌ایم و در مظلومیتش به پهنای صورت گریسته‌ایم. او که از سرچشمه جوشان علم، ادب، کمال، ایثار و شهادت سیراب شده بود، در پرتو این تربیت، در راه اطاعت از امامت

۱. البته برخی نیز امام سجاد (علیه السلام) را پسر بزرگ امام حسین (علیه السلام) می‌دانند.



و حمایت از اهداف و آرمان‌های مقدس آن از هیچ کوششی فروگذاری نکرد و تا آخرین نفس و آخرین قطره خون از امام زمانش دفاع کرد.^۱

علی اکبر علیه السلام؛ پیامبر کربلا

حضرت علی اکبر علیه السلام در صورت و سیرت، عفت و عصمت، سخاوت و شجاعت، شهامت و متانت، فصاحت و بلاغت، تواضع و کرامت، اخلاق و مروّت، کمال و مکارم، حلم و فضل و دیگر صفات و خصوصیات خود، نشان از اقیانوس بی‌کران فضایل و مکارم، آن یکتای بی‌همتا در میان آدمیان و خاتم رسولان، یعنی منجی عالم بشریت، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم داشت.

در میان خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم افراد دیگری هم شبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند، اما نه در تمام ابعاد و ویژگی‌ها. فاطمه زهرا علیها السلام در راه رفتن، امام حسن علیه السلام در هیبت و سیادت و امام حسین علیه السلام در جود و شجاعت، شبیه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم بودند؛ ولی علی اکبر علیه السلام به شهادت پدر بزرگوارش شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تمام

۱. نک: سید احمد موسوی وادقانی، یاران کوچک حسین علیه السلام؛ حکایت کودکان و نوجوانان حماسه کربلا، ص ۴۶.





ویژگی‌ها و خصوصیات جز مقام بلند نبوت و امامت بوده است. او شبیه پیامبر ﷺ بود، نشانی از اوصاف جمال و جلال محمدی و آینه تمام‌نمای اوصاف احمدی.

امام حسین علیه السلام هرگاه جای خالی رسول خدا ﷺ را احساس می‌کرد و غبار غم دلش را فرا می‌گرفت و مشتاق زیارت آن جمال نبوی و کمال سرمدی می‌شد، به سیمای دلربا و قامت رعنائی علی اکبر علیه السلام می‌نگریست و دل خود را آرام می‌کرد. هرگاه دلش برای شنیدن نغمه‌های جان‌فزا و ملکوتی پیامبر ﷺ بهانه می‌گرفت، به سخنان علی اکبر علیه السلام گوش می‌داد و آنگاه که به یاد اخلاق خوش آن حضرت ﷺ می‌افتاد که خداوند آن را با داشتن اخلاقی

برجسته^۱ ستوده است، به این فرزند توجه می کرد. این شباهت تا به آنجاست که هنگام به میدان فرستادن علی اکبر (علیه السلام) در روز عاشورا نیز از آن یاد می کند. اباعبدالله (علیه السلام) دست زیر محاسن خود بُرد، نگاهش را به آسمان متوجه کرد و با سخنانی که نشان دهنده جایگاه والای علی اکبر (علیه السلام) و محبت پدر به این فرزند دلاور بود، چنین فرمود:

اَللّٰهُمَّ اَشْهَدْ عَلٰى هٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَقَدْ بَرَزَ اِلَيْهِمْ غُلَامٌ اَشْبَهَ النَّاسَ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرِسُوْلِكَ كُنَّا اِذَا اُسْتَفْتٰنَا اِلٰى نَبِيِّكَ نَنْظُرُنَا اِلٰى وَجْهِهِ اَللّٰهُمَّ اَمْنَعْهُمْ بَرَكَاتِ الْاَرْضِ وَ فَرْقِهِمْ تَفْرِيقًا وَ مَزَجِهِمْ تَمْزِيجًا وَ اجْعَلْهُمْ طَرَائِقَ قِدَدًا وَ لَا تُرْضِ الْوَلَاةَ عَنْهُمْ اَبَدًا فَاِنَّهُمْ دَعَوْنَا لِيَنْصُرُوْنَا ثُمَّ عَدَوْا عَلَيْنَا يَبَاتِلُوْنَا....

خدایا شاهد باش که پسری را به سوی این قوم فرستادم که شبیه ترین مردم از نظر چهره و رفتار و گفتار و عمل به رسول توست. ما هرگاه مشتاق پیامبرت می شدیم، به سیمای این جوان نگاه می کردیم. خدایا برکات زمین را از این قوم بگیر و جمعشان را پراکنده و متلاشی

۱. ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ﴾ (قلم، ۴).

کن. پردهٔ اسرارشان را پاره کن و آنان را به اختلاف و راه‌های مختلف دچار نما و هیچ‌گاه والیان امر را از ایشان راضی نفرما؛ چراکه این‌ها ما را دعوت کردند تا یاری‌مان کنند؛ ولی با جنگ و قتالشان بر ما شوریدند...^۱

یازدهم: شهادت؛ برگی زرین در حیات بزرگان

مگر می‌شود از این ولادت‌های نورانی نوشت و شهادتشان را که برگ زرینی است از تاریخ پرافتخارشان نادیده انگاشت. خدایا چه بنویسم که حکایت از حرکت کاروان بندگی آن‌ها داشته باشد؛ حال آنکه با سرخی خونشان روزی را بنام عاشورا رقم زدند که تا آن زمان، چنین روزی نبوده و در آینده نیز مانندش نخواهد آمد: روزی که بهترین خلق به‌همراه خانواده و یارانش، در اطاعت از پروردگار، دل به دریایی موج و خونین سپردند.

عباس و علی اکبر و سجاد علیهم‌السلام به همراه امام و امیرشان وارد سرزمین بلا شده‌اند تا به این موج بلا مبتلا شوند، باید که عیارشان پدیدار شود. عباس علیه‌السلام برای حسین علیه‌السلام همان علی علیه‌السلام است برای محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه و آله و سلم. عباس علیه‌السلام

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۲ و ۴۳.



حیدر کرار کربلاست و علی اکبر علیه السلام پیامبرگونه این وادی .
 خدایا، یک لشکر هجوم آورده‌اند به سوی عباس و
 علی اکبر علیه السلام یا نه، آمده‌اند به سوی علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله !
 از رشادت عباس علیه السلام برای که بگویم که نشنیده باشد؟!
 اصلاً چگونه بگویم که حق مطلب را ادا کرده باشم؟!
 همین قدر می‌گویم که اباعبدالله علیه السلام پس از شهادت
 ابوالفضل العباس علیه السلام با لحنی جان سوز فرمود: «الآن انكسرَ
 ظَهْرِي وَ قَلَّتْ حِيلَتِي» آری همان لحظه، پشت حسین علیه السلام
 در داغ ازدست دادن چنین برادری می‌شکند و راه چاره و
 تدبیرش اندک می‌شود!

دوازدهم: بودن در مسیر حق؛ دغدغه نیکان

علی اکبر علیه السلام صدای آشنای پدر را می شنود که سه مرتبه فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ». خودش را به سرعت به کنار پدر می رساند و دلیل این امر را می پرسد. امام حسین علیه السلام به عزیز دلش می فرماید که لحظه ای کوتاه به خواب رفته و صدایی شنیده که گفته است: «أَنْتُمْ تُسْرِعُونَ وَ الْمَنَايَا تُسْرِعُ بِكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ»؛ (شما با سرعت می روید؛ ولی مرگ شما را سریع تر به بهشت می برد).

علی اکبر علیه السلام با ادب و وقار همیشگی اش می پرسد: «پدرجان مگر ما برحق نیستیم؟!» پاسخ سیدالشهدا علیه السلام روشن است: «همین طور است فرزندم. سوگند به خدایی که بازگشت بندگان به سوی اوست، ما برحق هستیم.» و علی اکبر علیه السلام این بار نیز با پاسخ پیامبرگونه خود از پدر دلربایی می کند: «پس اگر چنین است، هیچ باکی نیست؛ چراکه برحق می میریم.» چه حصّی می برد این پدر با داشتن چنین پسری! امام حسین علیه السلام درحالی که دست بر شانه فرزند گذاشته و لبخند می زند، دعایش را بدرقه راه علی اکبر علیه السلام می کند: «فرزندم، خداوند بهترین پاداش را به تو

عطا کند.»^۱

رابطه سرشار از ادب و احترام علی اکبر (علیه السلام) با پدر بزرگوارش و از طرف دیگر، علاقه و محبت پدر به این فرزند به حدی بود که امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا بعد از شهادت علی اکبر (علیه السلام)، عمر سعد را نفرین کرد که مقطوع النسل شود و همین طور هم شد.^۲

علی اکبر (علیه السلام) خورشید درخشانی بود که انوار فضایل پیامبرگونه اش را در تمام جامعه اسلامی می پراکند و دوست و دشمن در معرض تابش آن انوار حیات بخش قرار داشتند؛ تا جایی که معاویه دشمن دیرین اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) نتوانست لیاقت و برتری آن چهره درخشان را نادیده بگیرد و به ناچار در مقابل سران شام او را ستایش کرد. او از عده ای پرسید: «لایق ترین فرد برای خلافت کیست؟» گفتند: «تو.» جواب معاویه شنیدنی است. او اگرچه اغراض سیاسی و شیطانی خود را دنبال می کرد؛ اما ناخواسته این عزیز را به شایستگی ستود و گفت: «نه سزاوارترین مرد به خلافت، علی بن الحسین بن علی است؛ زیرا رسول خدا جد او و شجاعت بنی هاشم و سخاوت بنی امیه و فخر و مباهات

۱. نک: علی بن موسی بن طاووس (ابن طاووس)، لهوف علی قتلی الطفوف (آهی سوزان بر مزار شهیدان)، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، ص ۱۰۹.

۲. نک: محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۳.

قبیلۀ ثقیف، ویژگی اوست.^۱
در غیرت و شجاعت حضرت علی اکبر علیه السلام همین بس که
اولین شهید از اهل بیت امام حسین علیه السلام است؛ چنان که در
زیارت ایشان می خوانیم:

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَوَّلَ قَتِیلٍ مِنْ نَسْلِ خَیْرِ سَلِیلٍ
مِنْ سَلَالَةِ اِبْرَاهِیمَ الْخَلِیلِ ...^۲

سلام بر تو، ای نخستین کُشته از تبار بهترین
بازمانده از نسل ابراهیم خلیل ...

سیزدهم: مؤمنان عصر غیبت

اکنون که چند قدمی در راه شناخت معارف معصومین علیهم السلام
گام برداشتیم، باید به این مهم رسیده باشیم که عمل
ایشان، بهترین میزان عمل و معیار رفتارهای ماست. باید
خودمان را با این معیارها که همه از نوری واحد سرچشمه
می گیرند، بسنجیم و سعی کنیم بر مبنای این الگوهای
کامل، برای زندگی مان طرح و برنامه بریزیم. اگر
هدف گذاری ما این گونه باشد، در هر بن بستی نمی ایستیم؛
چراکه همیشه راه درستی برای حرکت خواهیم داشت.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۵.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۶۵.





روشن است که در این صورت، ان شاء الله می‌توانیم سنگلاخ‌های عصر غیبت را آهسته و پیوسته طی کنیم و همین امر، زمینه ظهور امام عصرمان، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می‌کند.

باور کنیم این سعادت دست‌یافتنی است. کلام نورانی امام باقر علیه السلام خطاب به جابر، آن صحابی وفادار اهل بیت علیهم السلام سرشار از امیدمان می‌کند:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ
فَيَأْتِيهِمْ لَلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ
إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُنَادِيَهُمُ
الْبَارِئُ جَلَّ جَلَالُهُ فَيَقُولَ عِبَادِي وَإِمَائِي آمَنْتُمْ
بِسِرِّي وَصَدَقْتُمْ بِغَيْبِي فَأَنْبَشُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ

مِنِّي فَأَنْتُمْ عِبَادِي وَ إِمَائِي حَقًّا مِنْكُمْ أَتَقْبَلُ وَ
عَنْكُمْ أَعْفُو وَ لَكُمْ أَعْفِرُ وَ بِكُمْ أَسْقِي عِبَادِي
الْغَيْثَ وَ أَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ وَ لَوْلَاكُمْ لَأَنْزَلْتُ
عَلَيْهِمْ عَذَابِي^۱.

زمانی بر مردم می‌آید که امامشان غایب
می‌شود. خوشا به حال کسانی که در آن زمان
بر امامت ما ثابت بمانند! کمترین ثواب آنان
این است که خداوند والامرتبه خطاب به آن‌ها
ندا می‌کند: «ای بندگان من، به سِرِّ من ایمان
آوردید و غیب من را تصدیق کردید؛ پس شما را
مژده می‌دهم به پاداش نیکو از طرف من. شما
بندگان حقیقی من هستید. از شما [اعمالتان
را] می‌پذیرم و از [خطای] شما می‌گذرم و شما
را می‌آمرزم. به [برکت] شما بندگانم را از باران
سیراب می‌کنم و بلا را از آن‌ها می‌گردانم و
اگر شما نبودید، هرآینه عذابم را بر آنان نازل
می‌کردم.

این حدیث ادامه‌ای هم دارد. جابر از برترین عملی که مردم

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲،
ص ۳۳۰.



مؤمن آن زمان انجام می دهند، سؤال می کند و حضرت باقرالعلوم علیه السلام در پاسخ، به نکته ای مهم اشاره می فرماید: «حِفْظُ اللِّسَانِ وَ ...»

قدری بیندیشیم: امام معصوم، حفظ زبان را برترین عمل دانسته است! چقدر با زبانمان گناه کرده ایم؟ خدای ناکرده چقدر غیبت کرده یا تهمت زده ایم؟ دروغ چه؟ تا حالا حساب کرده اید که چه بیهوده و چه بسیار به دروغ هایی گرفتاریم که به خیال خام ما کوچک اند؟! اصلاً جایی که باید حرف می زدیم و از حقی دفاع می کردیم، این کار را کرده ایم؟ واقعاً ما از مؤمنان عصر غیبت هستیم؟!

چهاردهم: از مشهد، تا مدینه... تا کربلا...

آخرین و چهاردهمین نکته را به میمنت و خجستگی حضور هشتمین امام هدایت و پنجمین فرزند امام حسین بن علی علیه السلام در این مرزوبوم، با کوتاه سخنی در حریم ملک پاسبان سلطان سریر ارتضا، علی بن موسی الرضا علیه السلام به پایان می بریم: کلامی که جز سخنی از سر مهر و محبت نیست. سخنی که بوی عید و شادابی دارد و رنگ غم و طعم اشک و رایحه معرفت و بصیرت. کلامی که میهمانی از راه رسیده و همسایه ای چشم به راه، با آن پدر، امام حسین علیه السلام و این



پسر، امام رضا علیه السلام دارد...

یا حسین! ای بی نظیر در ولادت و شهادت، ای دُرّانۀ خدا، ای یگانۀ پیامبر صلی الله علیه و آله، ای جان علی علیه السلام، ای جانان زهرا علیه السلام، ای عزیز مجتبی علیه السلام و ای امید زینب کبری علیه السلام و ای پناه عالمیان! بیش از ۱۴۳۰ سال از ولادت تو می گذرد و ما در این ایام مبارک، اینجا در کنار خوان مهربانی امام مهربانان، یک دامن تمنا و یک سبد آرزو و یک سینه سخن آورده ایم...

چه کند بینوا همین دارد...

در حدیث لوح که هدیهٔ ویژهٔ میلاد توسست، علی بن موسی الرضا علیه السلام را این گونه شناختیم:

...عِنْدَ انْقِصَاءِ مُدَّةِ عَبْدِي مُوسَى وَ حَبِيبِي وَ

خَيْرَتِي أَلَا إِنَّ الْمَكْذِبَ بِالثَّامِنِ مُكَذِّبٌ بِكُلِّ
أُولِيائِي عَلِيٍّ وَلِيِّي وَ نَاصِرِي وَ مَنْ أَصْعَ عَلَيْهِ
أَعْبَاءَ النَّبُوَّةِ وَ أَمْنَحُهُ بِالْأَضْطِلَاعِ بِهَا...^۱

پس از وفات بندهام و وصی ام و بهترین خَلقم،
موسی [الکاظم]، بدانید انکارکننده [امامت]
هشتمین امام، منکر تمام اولیای من است.
علی، ولی و ناصر من است. من بار [سنگین
میراث] نبوت را بر دوش او می گذارم و این لطف
را به وی می کنم که حامی نبوت باشد....

ما در آینه این هدیه آسمانی که ویژه تولد توست، معنای
حدیث «سلسلة الذهب» را می یابیم و با همه وجود، حقیقت
زیارت امام رضا (ع) را درک می کنیم و می فهمیم که
پذیرش ولایت علی بن موسی الرضا (ع) مرز جداکننده حق از
باطل است و چقدر به خود می بالیم که از صمیم جان، ملال
دل و کدورت خاطر را با زلال یاد تو، ای حسین! و عطر نام
فرزندت، علی بن موسی الرضا (ع) می زداییم...

آقای من، ای عزیز زهرا (ع) این ایام، روزهای تولد توست
و تولد فرزند عزیزت زین العابدین و میلاد ماه بنی هاشم،

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۷ و ۶۸.

ابوالفضل العباس (علیه السلام). درخشش نور علی اکبر (علیه السلام) هم در همین شعبان است. باید شادی کنیم و بخندیم و شادباش بگوییم؛ اما چه کنیم که باز هم چشمانمان مروارید می بارد! این همان راز نهفته در نام توسست که مجلس شادیات را هم مانند تولدت ویژه کرده است: ترکیبی از تبسم و شادی و گریه و غم! همین حکایت توسست که صدها سال است دل ها را واله و شیدای خود ساخته است. مولای خوبی ها، ای کشتی هدایت!

ما پدین درنه پی حشمت و جاه آمده ایم

از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم

آمده ایم اینجا، مشهدالرضا تا از همین جا برویم مدینه، کوچه بنی هاشم و در خانه فاطمه (علیه السلام) و علی (علیه السلام) را بزنیم و بگوییم: «ای بانوی آب و آینه، ای امیر اندیشه و قلم، با امید به درگاهتان آمده ایم، به ما عیدانه بدهید!» در ماه رسول خدا، چشمانمان را می بندیم، خود را در کوچه بنی هاشم احساس می کنیم، دستان نیازمان را می گشاییم و زبان به حاجت می گشاییم تا بخواهیم: بخواهیم که ما را از آن خودشان کنند، بخواهیم که همراه با آنان باشیم، بخواهیم که جز خودشان چیزی نخواهیم... چشمانمان را بسته ایم و دستانمان را گشوده ایم.



می‌خواهیم زبان به صحبت باز کنیم؛ اما صدایی به گوشمان می‌رسد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى ...»

آه خدایا، ما اینک در جوار روضهٔ آسمانی امام رئوف هستیم. کجا برویم؟! اینجا بوی همه‌جا را دارد: عطر، کوچهٔ بنی‌هاشم می‌دهد، رایحهٔ مدینه و کربلا دارد، نجف و کاظمین و سامرا هم همین جاست. اینجا برای ما همه‌جاست.

می‌گویند عمرهٔ شعبانیه مستحب است و پُربرکت. از عمرهٔ شعبانیه هم دستان کوتاه است. اما چه باک! اینجا، مشهد، اکنون، در این بسیط نور، ایام میلاد حسین بن علی، سیدالساجدین، ابا الفضل العباس و علی اکبر علیه السلام، دستان را به در و دیوار حریم رضوی و پنجره فولاد این آستان گره می‌زنیم و در کنار روضه‌الرضا علیه السلام از فاطمه زهرا علیه السلام به عیدانهٔ میلاد این کرانه‌های پاکی همه‌چیز می‌خواهیم، همه‌چیز را:

خدایا، تو می‌دانی همه‌چیز ما، همهٔ زندگی ما، مهدی زهرا علیه السلام است. ما را به او برسان! آمین یا رب العالمین



کتابنامه

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، لهوف علی قتلی الطفوف (آهی سوزان بر مزار شهیدان)، ترجمه سیداحمد فهری زنجانی، چ ۶، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۵ ش.
۲. سنگری، محمدرضا، ماه در آب، چ ۵، تهران: مدرسه، ۱۳۸۳.
۳. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، أمالی الصدوق، چ ۵، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۴. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، چ ۲، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ ق.
۵. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، چ ۱، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الأطهار علیهم السلام، ج ۴۳ و ۴۵ و ۴۶، تهران: اسلامیة، بی تا.
۷. موسوی وادقانی، احمد، یاران کوچک حسین علیه السلام (حکایت کودکان و نوجوانان در حماسه کربلا)، تهران: قدیانی، ۱۳۷۷.
۸. موسوی، مهدی، گذار از فتنه، قم: شهاب الدین، ۱۳۸۹.

توضیحات شرکت در مسابقه فرهنگی «گل های بهشتی»

۴۳

* پرسش ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می توانند در مسابقه شرکت کنند.
* به روش های زیر می توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ : برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه، شماره گزینه های صحیح پرسش ها به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست، نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: گل های بهشتی ۱۳۱۴۲ محمدجواد عظیم زاده

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی: www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش ها در پاسخنامه: پاسخنامه تکمیل شده را می توانید به صندوق های مخصوص مستقر در کیوسک های راهنمای زائر ببیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.



* هزینه ارسال پاسخنامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، ۱۰ خرداد ۹۶ است.

* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود. نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

سؤال‌ها

سؤال اول: خدای حکیم در حدیث سراسر نور لوح، مولود

سوم شعبان را با کدام عبارات معرفی کرده است؟

۱. او را معدن علم خویش قرار دادم

۲. به وسیله او پاداش می‌کنم و جزا می‌دهم

۳. او را گنجینه وحی خویش ساختم

۴. او زینت اولیای گذشته من است

سؤال دوم: امام سجاد (علیه السلام) در شرایط سخت و محیط ناآرام

و مضطرب پس از عاشورا و در زمان حکام ظالم اموی، از

کدام راه برنامه فکری و آگاهی‌بخش امت اسلام را بیان

فرمودند؟

۱. از جهاد علمی بهره بردند

۲. جنگ نظامی را ادامه دادند

۳. به اسلوب دعا روی آوردند

۴. به فعالیت اقتصادی پرداختند

سؤال سوم: «اباقربه» یکی از القاب حضرت ابوالفضل (علیه السلام)

است. این واژه به چه معناست؟



۱. صاحب مشک
۲. فرمانده سپاه حسین
۳. حمله کننده بی برگشت
۴. پرچم دار

سؤال چهارم: بنا بر فرمایش حضرت باقر العلوم علیه السلام، برترین

عمل مردم مؤمن در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

۱. کار و تلاش
۲. حفظ زبان
۳. تحصیل علم
۴. صلۀ رحم

سؤال پنجم: خداوند در حدیث شریف لوح، انکار کننده

[امامت] هشتمین امام را چگونه معرفی کرده است؟

۱. منکر تمام اولیای خدا
۲. منکر یگانگی خدا
۳. مغضوب خداوند
۴. مغضوب فرشتگان

پاسخ نامه مسابقه فرهنگی «گل های بهشتی»

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرسش اول				
پرسش دوم				
پرسش سوم				
پرسش چهارم				
پرسش پنجم				

فرم نظر سنجی کتاب

ردیف	موضوع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
نظر ها، پیشنهادات و انتقادات: ----- ----- -----						

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



..... فرستنده:

.....

.....

..... کد پستی:

----- از این قسمت تا شود -----

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۲۵۱ - ۹۱۷۳۵